



## تحلیل اثرات شهر زابل بر کانون پیراشهری بنجار

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

صفحات: ۶۴-۵۱

محمود رضا انوری؛ استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.  
مصطفی راشکی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.  
کی‌آفرین کیکاوس؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.  
اسماعیل حسین زهی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.  
عطا... اکبری؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

### چکیده

شناخت اثرات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر روابط و مناسبات بین شهر و مناطق پیراشهری، دارای اهمیت نظری و کاربردی است. تحولات مناطق پیراشهری وابسته به مجموعه عوامل و نیروهای درونی و بیرونی است که به نوعی همه آن‌ها از تعامل و ارتباط عرصه‌های سکونتگاه‌های مناطق پیراشهری و شهر با یکدیگر ناشی می‌شود. مقاله حاضر نیز با هدف شناخت تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل بر منطقه پیراشهری بنجار انجام شده است. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش تحقیق، پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز تحقیق به روش اسنادی- میدانی (پرسشنامه و مشاهده) گردآوری شده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و مدل Fuzzy Mamdani استفاده شده است. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که تأثیرات شهر زابل بر توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار دارای رابطه معناداری در سطح  $P=0/05$  است. همچنین نتایج آزمون کای اسکور با توجه به سطح معناداری به دست آمده  $0/000$ ، نشان از ارتباط معنادار و مثبت بین این دو متغیر (تأثیر اقتصادی و اجتماعی شهر مرکزی (زابل) و منطقه پیراشهری (بنجار) است. نتایج خروجی سیستم استنتاج فازی در نرم افزار متلب با استفاده از مدل فازی ممدانی نشان داد که بعد اقتصادی و اجتماعی به ترتیب با مقدار نافازی نهایی  $(0/65)$  و  $(0/60)$  در سطح متوسط قرار دارند.

### واژه‌های کلیدی:

توسعه اقتصادی -  
اجتماعی، حوزه  
نفوذ، شهر زابل،  
منطقه پیراشهری،  
بنجار.



از گذشته تا به امروز، در تمامی تمدن‌ها یا کشورها، شهرنشینی بارزترین نحوه‌ی تکامل جوامع انسانی به شمار می‌رود. با گسترش شتابان شهرها، مخصوصاً متروپل‌ها، جوامع انسانی ساکن در آن‌ها، با مشکلات عدیده‌ای روبرو شده‌اند. یکی از بارزترین این مشکلات، تمرکزگرایی شدید در یک یا چند شهر و گسیختگی نظام سلسله مراتب شهری در اکثر کشورها است (سرای و اسکندر ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۶۶). لذا به منظور دستیابی به توسعه متوازن و یکپارچه در برنامه‌ریزی‌های فضایی کشورهای در حال توسعه، ایجاد سلسله مراتب متعادل و نظام یافته سکونتگاه‌ها از نیازهای اساسی به شمار می‌آید (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹). در ایران، شبکه شهری عملکرد سلسله مراتبی نداشته و شمار کانون‌های زیستی، توزیع فضایی و حجم جمعیتی آن‌ها از یک نظام سلسله مراتبی تبعیت نمی‌کند و شبکه شهری همچنان در جهت تمرکزگرایی در حال تحول است (نظریان، ۱۳۷۶: ۸۲). به لحاظ جغرافیایی شهرهای ایران با اتکاء به مناطق نفوذ خود تکامل می‌یابند و بیشتر مراکز شهری و روستایی از یا مناطق پیراشهری به یکدیگر وابسته‌اند. این پیوستگی در هر یک از نواحی جغرافیایی ایران با توجه به تنوع شرایط طبیعی و منابع اقتصادی و پیوندهای اجتماعی و قومی، نسبی و متنوع است (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۶۸). ظهور مفهوم پیراشهر، حاصل محدودیت‌های ساختاری مفاهیم است. این مفهوم، توصیف‌های نزدیک شهرها است که طیف وسیعی از ویژگی‌های شهری و روستایی را بازنمایی می‌کند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). پیراشهرها، واجد ویژگی‌های خاصی هستند (Amoateng et al, 2013). پدیده پیراشهر، محصول تشدید تحولات اجتماعی فضایی بر مبنای منطق و دیالکتیک انباشت و چرخه فضایی سرمایه و فرآیندهای جهانشمول شهری شدن است (Harvey, 1973, 1982, 1989: 2006). نواحی پیراشهری، گونه‌ای از اشکال سکونتی است که در ارتباط با گسترش افقی، خزش و دامنه توسعه عملکردهای شهری، در اراضی و فضاهای روستایی ایجاد می‌شود (Piorr and et al, 2012: 10). بسیاری از شهرهای بزرگ در حال رشد شتابان کشورهای جنوب، علاوه بر ادغام روستاها در فرایند گسترش خود، موجب شکل‌گیری عرصه‌هایی با ویژگی‌های کالبدی-عملکردی و اجتماعی-اقتصادی ویژه‌ای شده‌اند. این عرصه‌ها که به طور توأمان حامل خصلت‌هایی بارز شهری - روستایی (نه شهری و نه روستایی) هستند، اغلب تحت مفهوم پیراشهر شناخته می‌شود (Simon et al, 2006: 7).

در سال‌های اخیر مناطق شهری ایران بر اثر مهاجرت‌های روستایی-شهری و (بالعکس در چنده دهه اخیر)، شهرنشینی ناقص و تحول نیافته‌ای را که حاصل سرمایه‌داری نفتی بوده، تجربه کرده است. سطح و دامنه رشد بی‌رویه شهری دل‌نگرانی‌هایی را در بین کارشناسان و شهروندان آگاه مطرح ساخته است. آشکار است که رشد بی‌رویه شهرها نه تنها منظر شهر را دگرگون کرده است بلکه سبب ایجاد تغییرات بنیادی در الگوی شهر و مناطق پیراشهری شده است و این موضوع همچنین بر تحولات اقتصادی و اجتماعی فضایی این مناطق پیراشهری تأثیر فزاینده‌ای گذاشته است. بسیاری از تحولات اقتصادی و اجتماعی مناطق پیراشهری، در نظام‌های متکی بر درآمدهای نفتی بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی در راستای دستیابی به اهداف خاص از سطح ملی به منطقه‌ای و در نهایت در سطح محلی قابل ردیابی است و یا به پس زمینه‌های بنیادین و روندهای مرتبط با آن باز می‌گردد در چنین نظام‌هایی ساخت و تولید فضا در جهت اهداف گردش و انباشت سرمایه شکل می‌یابد، در چنین شرایطی اولویت‌های انباشت سرمایه در نهایت منجر به سرمایه-گذاری در بخش‌های خاص اقتصادی و اجتماعی مناطق پیراشهری می‌گردد. در این راستا بنجار به عنوان روستا-شهری کوچک در فاصله ۲ کیلومتری از شهر اصلی منطقه (زابل) در گذر زمان جزء مناطق پیراشهری شده است. این منطقه

پیراشهری به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی-کالبدی با شهر زابل از امکانات، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برخوردار است که در دیگر مناطق شهری، به چنین شدتی وجود ندارد. منطقه پیراشهری بنجار با گذشت ۱۲ سال از تبدیل شدن بنجار به شهر، تحت تاثیر موقعیت خاص ارتباطی و نزدیکی با شهر زابل، تحولات شتابان و عمیقی را در زمینه‌های مختلفی همچون سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و... تجربه کرده است. انتقال سرمایه از شهر زابل و هجوم نیروی کار در این ناحیه تغییرات اقتصادی و اجتماعی در این منطقه در پی داشته است. با این چشم‌انداز از مسئله، این تحقیق درصدد است تا تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل را بر منطقه پیراشهری بنجار را مورد بررسی قرار دهد. آشکار است که در شکل‌پذیری و تحول منطقه پیراشهری بنجار مجموعه عوامل و نیروهای متفاوت و متنوعی نقش آفرین هستند، اما همه آنها به نوعی متأثر از تعامل و ارتباط عرصه‌های سکونتی شهر زابل و منطقه پیراشهری بنجار با یکدیگر می‌باشند.

درباره نقش شهرهای مرکزی در توسعه شهرهای پیراشهری، سه دیدگاه مسلط بین جغرافیدانان توسعه و برنامه ریزان وجود دارد: دیدگاه فضایی عملکردی (دیدگاه خوش‌بینانه)، دیدگاه اقتصاد سیاسی (دیدگاه بدبینانه) و دیدگاه میانه. دیدگاه فضایی عملکردی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح گردید، بر این تأکید دارد که شهرهای مرکزی از طریق پخش و رخنه به پایین نوآوری‌ها، خدمات و امکانات، در توسعه مناطق پیراشهری خود نقش مثبتی دارند. تمرکز این دیدگاه بر رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). از دهه ۱۹۷۰ به بعد به دلیل افزایش دلسردی، سرخوردگی و شکست برنامه‌های توسعه‌ای و مکانیزم رخنه به پایین، مطرح شده از مکتب نئوکلاسیک به منظور رشد اقتصادی و مشکلات ناشی از شهرنشینی به ویژه در کشورهای جهان سوم، توجه برنامه‌ریزان به توسعه و ایجاد شهرهای دیگر معطوف گردید، تا پاسخگوی نیازهای توسعه عادلانه باشد (افراخته و همکاران، ۱۳۸۹، ۵). از این دوره به جای توجه به سطوح بالای سیستم شهری، این عقیده که شهرها می‌توانند به بهبود توسعه مناطق پیراشهری کمک کنند، مورد توجه بیشتر قرار گرفت و تمرکز را بر روی روستا-شهرها و شهرهای کوچک در پایین سلسله مراتب شهری متمرکز نمود. کار اولیه در این زمینه که به وسیله جانسون (۱۹۷۰) انجام گرفت، ریشه در تئوری مکان مرکزی دارد. وی با توجه به مطالعه موردی بر روی کشور هند، استدلال کرد که توسعه روستا-شهرها جهت پر کردن شکاف بین شهرهای بزرگ انگلی و روستا، یک شرط اساسی برای تجاری کردن کشاورزی است، از این رو یکی از وظایف برنامه‌ریزان، بهبود رشد شهرهای بازاری است. بر مبنای تئوری مکان مرکزی به عنوان چارچوب این بحث، شهرها همچنین می‌بایست در رابطه با یکدیگر شناخته شوند تا فضای مناسب و ترکیب کارکردی به وسیله اندازه و موقعیت در سلسله مراتب شهری تضمین شود. بعدها این ایده جانسون به وسیله راندینلی تحت عنوان رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی پیراسته شد و دفاع جانسون از انتخاب روستا-شهرهای کلیدی در مراکز توسعه روستایی، به عنوان یک مجموعه از نقش‌هایی که به وسیله شهرهای کوچک و شهرها در نواحی روستایی برای توسعه روستایی ایفا شده است؛ توسط راندینلی تفسیر مجدد شد (داگلاس، ۱۳۸۸: ۸۹). با این همه، نظریه راندینلی در عین سازندگی و دارا بودن جذابیت در عرصه‌های توسعه روستایی- ناحیه‌ای، دارای یکسری نواقص هم است.

در زمینه توسعه شهرهای پیراشهری با تأکید بر جایگاه شهر مرکزی مطالعات اندکی صورت گرفته است که در ذیل به تعدادی از آنها که در راستای موضوع پژوهش است اشاره خواهد شد. سرابی و پورمحمد (۱۳۹۱)، در

پژوهشی تحت عنوان، ارزیابی کنش متقابل حوزه‌های نفوذ شهری در شبکه شهری استان آذربایجان شرقی با استفاده از مدل جاذبه و روش تحلیل جریان‌ها، به این نتایج دست یافتند، حوزه نفوذ شهر تبریز به غیر از شهر ارومیه تا نزدیکی مراکز شهری دیگر (اردبیل، زنجان و سنندج) پیش رفته، به آن شهرها اجازه گسترش و ارائه خدمات به حوزه نفوذ خود را نمی‌دهد. در سطح درون منطقه‌ای، از پنج شهر بالای پنجاه هزار نفری استان مرند و بناب تا حدی حوزه نفوذ خود را وسعت بخشیده‌اند. حوزه نفوذ شهرهای مراغه، میانه و اهر به نفع تبریز بوده و در پنجاه و یک شهر دیگر استان، با جمعیت کمتر از پنجاه هزار نفر، حوزه نفوذ به نفع تبریز و به زیان آنهاست. همچنین توجه به خطوط هم‌پتانسیل در شهرهای استان نشان می‌دهد که شهرهای تبریز، مراغه، بناب، مرند، میانه، اهر و سراب دارای پتانسیل بالا و ضریب جاذبه بیشتری نسبت به شهرهای دیگر استان هستند. نیک سرشت و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی به تحلیل کارکرد شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی (نمونه موردی: شهر سرابله - شهرستان شیروان - چرداول)، با استفاده از روش‌های اسکالوگرام گاتمن و شاخص توسعه یافتگی موریس و استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، GIS، به این نتایج دست یافتند، شهر «سرابله» اثرات مستقیمی بر روی توسعه روستاها داشته است و موجب افزایش درآمد، مشارکت جمعی، انگیزه ماندگاری و امید به زندگی در روستاها شده است. میکائیکی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان، کارکرد فضایی شهرهای کوچک در ارتباط با روستاهای پیرامون در شهر سریش به استفاده از روش SPSS، به این نتایج دست یافتند، که رشد و توسعه شهرهای کوچک نظیر سریش به شرایط اجتماعی و اقتصادی حوزه نفوذ پیرامونی وابسته است و تثبیت جمعیت روستایی و تولیدات کشاورزی به واسطه کارایی خدمات در این گونه شهرها، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند؛ از سوی دیگر، توسعه شهرهای کوچک هم وابسته به تمرکززدایی این کارکردها از نواحی شهری بزرگ و هم توسعه حوزه نفوذ روستایی با یکپارچه کردن فعالیت‌های غیر زراعی روستایی خواهد بود. خسروی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی قاعده رتبه اندازه و مدل دیفرانسیل شهری در نظام سلسله مراتبی شهری استان همدان با تأکید بر نقش شهرهای کوچک، با استفاده از روش قاعده رتبه اندازه برای سنجش توازن یا عدم توازن در توزیع جمعیت و مدل دیفرانسیل شهری در سنجش مراحل بلوغ شبکه شهری، به این نتایج دست یافتند که، ضعف شهرهای کوچک، میانی و فاصله زیاد نخست شهر با خط نرمال در قاعده رتبه اندازه است همچنین نقاط شهری در مراحل ابتدایی رشد شهرهای میانی متوقف شده‌اند به گونه‌ای که ضعف شهرهای میانی چه از نظر تعداد چه از نظر جمعیت باعث کثرت شهرهای کوچک شده است. از طرفی بررسی جمعیت پذیری شهرهای استان و فراوانی آنها طی ۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد تبدیل روستاها به شهرهای کوچک در استان همدان سیاستی ناکارآمد بوده است زیرا طبق مدل دیفرانسیل شهری ابتدا باید به تقویت شهرهای میانی پرداخته شود سپس سیاست‌های توسعه شهرهای کوچک در دستور کار قرار گیرند. میکائیلی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی شهرهای کوچک و توسعه پایدار سکونتگاه‌های پیرامونی با استفاده از روش آماری SPSS، به این نتایج دست یافتند، شهر خوسف می‌تواند دارای نقش واسطه‌ای در ارائه خدمات به حوزه‌های نفوذ روستایی خود باشد و همچنین ارائه خدمات و امکانات از سوی شهر خوسف باعث ماندگاری جمعیت نواحی روستایی پیرامونی آن شده است. کرمی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی فضاهای پیراشهری و جمعیت‌پذیری حوضه آبریز ارومیه با استفاده از نرم‌افزار GIS، به این نتایج دست یافتند، ۸۳ درصد جمعیت کل حوضه آبریز ارومیه و بیش از ۴۰ درصد

جمعیت روستایی در فاصله ۵ کیلومتری از شهرها استقرار یافته‌اند. این جریان، مؤید شکل‌گیری خوشه‌های شهری و دامنه گسترده تأثیرگذاری فرآیندهای شهری بر حیات و بافت روستایی است. آمارتنک و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی مدیریت توسعه فیزیکی در مناطق پیراشهری غنا پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که مناطق پیراشهری اعم از شهرک‌های کاربردی، نیاز به مدیریت مستقلی دارند تا از توسعه غیر هدایت‌شونده آن‌ها جلوگیری شود. ویلسون (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی مدیریت مناطق پیراشهری پرداخته است. نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی، تأثیر زیادی بر میزان تمایل ساکنان بر واگرایی و استقلال مدیریتی پیراشهرها دارد. گنزالز گارسیا و همکاران (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی پایداری شهرهای اسپانیا با توجه به شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، به ارزیابی شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در ۲۶ شهر اسپانیا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، با توجه به اهداف شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به نرخ بیکاری و تعداد جرائم در شهرهای مورد مطالعه، باید در اولویت قرار گیرند. در عین حال، میزان مصرف برق، ضایعات جامد شهری و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محل، از منظر زیست‌محیطی در شهرهای مورد مطالعه در سطح مطلوب است. این نتایج بالقوه برای سیاستمداران، دولت‌ها و ساکنان را برای شناسایی جریان‌های متابولیک و شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی به منظور دستیابی به پایداری، بهینه می‌کند.

به طور کلی از پیشینه تحقیقات و مطالعات صورت گرفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که مناطق واقع در پیرامون شهرها به علت برخورداری از روابط، مناسبات، تعاملات و یا پیوندهای روستا-شهری دارای فرصت‌ها و تنگناهای گوناگون در مسیر توسعه سکونتگاه‌های مناطق پیراشهری می‌باشند. از یک سو اینگونه مناطق به علت نزدیکی به شهر می‌توانند از خدمات و کالاهای شهری، فرصت‌های شغلی، زیرساخت‌های شهری در راستای توسعه خود بهره‌گیرند؛ اما از سوی دیگر این مناطق معمولاً گرفتار چالش‌های متعددی نیز هستند که مسیر دستیابی به توسعه سکونتگاه‌های این مناطق را با مشکل روبه‌رو ساخته است. بدین منظور ضروری است روند توسعه متقابل را برای شهر و مناطق پیراشهری به گونه‌ای فراهم کرد که توسعه یکی به بهای رکود و افول آن دیگری تمام نشود. هدف این تحقیق نیز تحلیل تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل بر منطقه بنجار است. از این رو تحقیق حاضر به طور مشخص برای پاسخ به این سؤال اصلی انجام شده است که، میزان تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل بر منطقه پیراشهری بنجار چگونه است؟

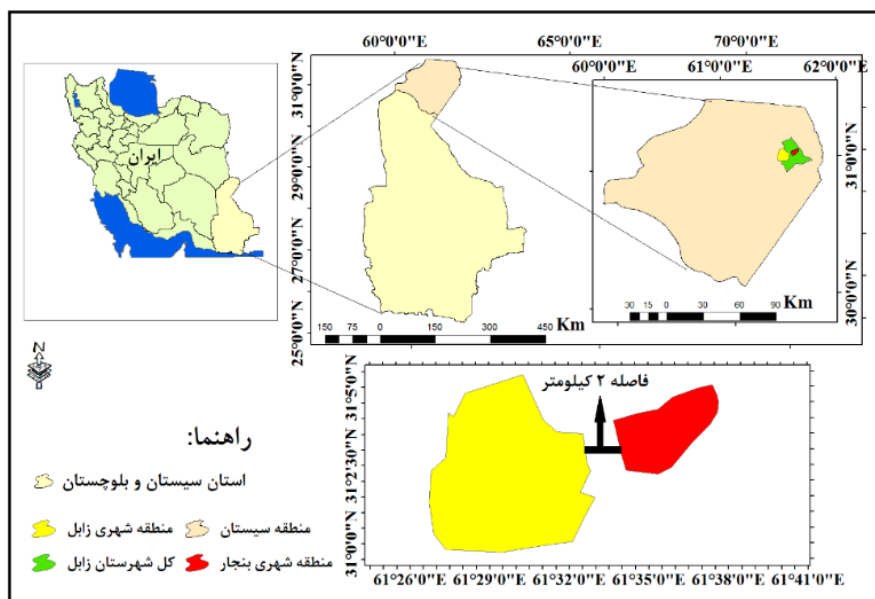
### روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری و تحلیل اطلاعات، توصیفی و تحلیلی است. تحلیلی از این جهت که ناظر بر بررسی توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار با تأکید بر جایگاه شهر زابل است. به منظور انجام این پژوهش به دو روش اسنادی و میدانی به تهیه اطلاعات و تجزیه و تلفیق آن‌ها اقدام شده است. در مرحله اسنادی به گردآوری اطلاعات از کتب، نشریات، آمارنامه‌ها، نقشه و سایت‌های اینترنتی پرداخته شده است. در مرحله اخذ اطلاعات میدانی، ضمن مشاهده و پرسش از منطقه بنجار و ساکنین منطقه از طریق پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات لازم اخذ شده است. و همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، از نرم افزارهای SPSS (آزمون‌های رگرسیون چندگانه و کای اسکور) و مدل Fuzzy Mamdani استفاده شده است. در ادامه نیز به مرور مختصر از مدل فازی میدانی پرداخته شده است.

سیستم‌های فازی، سیستم‌های مبتنی بر دانش هستند. قلب یک سیستم فازی، یک پایگاه دانش بوده که از قواعد اگر-آن گاه فازی تشکیل شده است. یک قاعده اگر-آن گاه فازی، عبارتی است که بعضی کلمات آن به وسیله توابع تعلق پیوسته مشخص شده‌اند. یک سیستم استنتاج فازی از سه بخش تشکیل می‌شود. بخش اول آن بخش فازی‌سازی است که داده‌های عددی را به داده‌های فازی تبدیل می‌کند. بخش دوم که به آن و تور استنتاج گفته می‌شود، مغز یک مدل فازی است که شامل پایگاه داده‌های ذخیره شده و قوانین اگر-آن گاه می‌شود. این بخش شماری از شبکه‌های موازی یا متوالی درست می‌کند که با استفاده از عملگرهای فازی مجموعه‌های فازی را ترکیب می‌کند و بخش نهایی آن قطعی‌سازی است که داده‌های فازی را به داده‌های عددی تبدیل کرده و خروجی نهایی را ارائه می‌دهد. سیستم استنتاج فازی دارای روش‌های متفاوتی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به روش ممدانی و TSK اشاره کرد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دو بخش است: بخش اول: ساکنان منطقه بنجار که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ با مقدار (۴۰۸۸) می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۱ به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در بخش دوم: متخصصان در حوزه مطالعات برنامه‌ریزی شهری و نخبگان دانشگاهی است که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۲۰ نفر (تا زمان اشباع رسیدن نتایج) به عنوان جامعه نمونه در این بخش تعیین شدند. همچنین قابل ذکر است از آنجایی که پرسشنامه مذکور بر پایه مؤلفه‌های شناسایی شده در تحقیق و دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان فراهم شده است، بنابراین روایی صوری پرسشنامه تأیید می‌شود. همچنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه از آماره آلفای کرونباخ استفاده شده که  $0/78$  به دست آمده و نشان دهنده پایایی قابل قبولی است. در این پژوهش نیز برای ارزیابی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل بر منطقه پیراشهری بنجار از ۲ مؤلفه (اقتصادی و اجتماعی) که هر کدام از این مؤلفه‌ها از گویه‌هایی نیز برخوردارند. مؤلفه اقتصادی دارای ۷ گویه و مؤلفه اجتماعی نیز دارای ۷ گویه (جدول ۱) می‌باشند.

بنجار در بخش مرکزی شهرستان زابل قرار دارد. که از شمال به بخش پشت آب از جنوب به روستای کرباسک از شرق به شهرستان هیرمند و از غرب به بخش شیب آب وصل است. بنجار در مختصات جغرافیایی طول ۳۱ درجه، ۲ دقیقه و ۲۸ ثانیه شمالی و عرضی ۶۱ درجه، ۳۳ دقیقه و ۵۸ ثانیه شرقی در جنوب شرقی کشور (استان سیستان و بلوچستان) استقرار یافته است. ارتفاع از سطح دریای آزاد ۵۰۰ متر است این دهستان در حواشی و حومه شهرستان زابل قرار دارد. جمعیت منطقه بنجار در سال ۱۳۹۵ (۴۰۸۸) می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). مساحت تقریبی بنجار در سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۲۹۰ کیلومتر مربع است که از بهم پیوستن ۷۴ روستا تشکیل می‌شود که مرکز این دهستان بنجار نام دارد. منطقه بنجار در منطقه‌ای مسطح و تقریباً پست در شمال شرق استان سیستان و بلوچستان و در ۵ کیلومتری شهر زابل قرار دارد.



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه در کشور و استان سیستان و بلوچستان

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های مورد ارزیابی در تحقیق

گویه	مؤلفه
سرمایه‌گذاری دولت و مردم	اقتصادی
افزایش تولیدات کشاورزی و دامی	
جذب گردشگر	
ایجاد فرصت‌های جدید شغلی	
امنیت درآمد	
افزایش صادرات محصولات منطقه	
افزایش ظرفیت‌های تولیدی منطقه	
افزایش امنیت	اجتماعی
رضایت از زندگی	
افزایش مشارکت	
عدم تنش	
افزایش میزان تعلق در منطقه	
عدالت اجتماعی	
دسترسی به امکانات بهداشتی، تفریحی و ...	

تحلیل پاسخ‌ها و میانگین مؤلفه‌های (اقتصادی، اجتماعی) منطقه پیراشهری بنجار با تأکید بر جایگاه شهر زابل

نتایج حاصل از سنجش مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار با تأکید بر جایگاه شهر زابل نشان داد که درصد فراوانی بعد اقتصادی، ۱۵٫۱ خیلی زیاد، ۴۰٫۲۳ زیاد، ۲۱٫۵۱ تا حدودی، ۱۱٫۵۹ کم، ۱۰٫۷۵ خیلی کم مشخص شده است. از این رو با توجه به نمره نهایی سطح بعد اقتصادی با توجه به تمامی مؤلفه‌ها و معیارهای آن زیاد بوده و گرایش به سمت طیف خیلی زیاد دارد. درصد فراوانی بعد اجتماعی نیز، ۱۱٫۵۵ خیلی زیاد، ۴۱٫۰۳ زیاد، ۲۳٫۵۰ تا

## تحلیل اثرات شهر زابل بر کانون و... (انوری و همکاران)

حدودی، ۱۴,۳۴ کم و ۹,۵۶ خیلی کم مشخص شده است. از این رو با توجه به نمره نهایی سطح بعد اجتماعی و همچنین با توجه به تمامی مؤلفه‌ها و معیارهای آن زیاد بوده و گرایش به سمت طیف خیلی زیاد دارد.

### جدول ۲. تحلیل پاسخ‌ها و میانگین مؤلفه‌ها

ابعاد	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم
اقتصادی	۳۸	۱۰۱	۵۴	۳۰	۲۷
	۱۵,۱	۴۰,۲۳	۲۱,۵۱	۱۱,۹۵	۱۰,۷۵
اجتماعی	۲۹	۱۰۳	۵۹	۳۶	۲۴
	۱۱,۵۵	۴۱,۰۳	۲۳,۵۰	۱۴,۳۴	۹,۵۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

### تحلیل توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار با تأکید بر جایگاه شهر زابل

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار با تأکید بر جایگاه شهر زابل است؛ شهر زابل به لحاظ موقعیت قرارگیری می‌تواند به قطب جاذب جمعیت مبدل گردد و با ارائه خدمات قدرتمند به منطقه پیراشهری بنجار در حفظ جمعیت، موفق عمل نماید و به عنوان یک شهر کوچک، موجب تعادل منطقه‌ای گردد. لذا جهت بررسی هدف اصلی پژوهش از آزمون‌های رگرسیون گام به گام و کای اسکویر جهت (تحلیل تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل بر توسعه منطقه پیراشهری بنجار)، استفاده شده است.

### جدول ۳. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه

شاخص‌های توسعه اقتصادی	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	سطح معناداری F	Beta	مقدار t
سرمایه‌گذاری دولت و مردم	۰/۷۳۲	۰/۷۱۱	۰/۸۰۳	۰/۰۰۰	۰/۸۴۳	۵/۳۱۱
افزایش تولیدات کشاورزی و دامی	۰/۹۱۴	۰/۸۶۵	۰/۸۵۰	۰/۰۰۱	۰/۹۲۳	۷/۴۱۳
جذب گردشگر	۰/۸۸۹	۰/۷۸۳	۰/۷۷۱	۰/۰۰۱	۰/۷۹۹	۶/۷۲۵
ایجاد فرصت‌های جدید شغلی	۰/۷۰۱	۰/۶۹۰	۰/۶۵۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵	۶/۳۶۵
امنیت درآمد	۰/۸۴۳	۰/۸۰۰	۰/۷۸۶	۰/۰۰۱	۰/۸۹۴	۵/۶۵۸
افزایش صادرات محصولات منطقه	۰/۷۹۱	۰/۷۴۶	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰	۰/۸۵۱	۵/۴۵۸
افزایش ظرفیت‌های تولیدی منطقه	۰/۷۱۲	۰/۷۰۵	۰/۶۸۵	۰/۰۰۰	۰/۷۰۱	۵/۳۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

به منظور بررسی تأثیرات شهر زابل در توسعه اقتصادی منطقه پیراشهری بنجار، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. تأثیرات شهر زابل بر توسعه اقتصادی منطقه پیراشهری بنجار دارای رابطه معناداری در سطح  $P=۰/۰۵$  است.

### جدول ۴. نتایج آزمون کای اسکویر جهت تعیین تأثیرات شهر زابل در توسعه اقتصادی منطقه پیراشهری بنجار

نتایج	کای اسکویر	وی کرامرز	سطح معناداری
ارتباط بین شهر زابل و توسعه اقتصادی شهر پیراشهری بنجار	۴۴/۸۳	۰/۶۹۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



همچنین نتایج آزمون کای اسکویر جهت تأثیرات شهر زابل بر توسعه اقتصادی منطقه پیراشهری بنجار با توجه به جدول (۴)، با مقدار کای اسکویر به دست آمده در تمامی متغیرها و سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۰۰، نشان از ارتباط معنادار و مثبت بین این دو متغیر است. با توجه به نتایج به دست آمده؛ شهر زابل در حمایت از رشد تولید کشاورزی و درآمدهای کشاورزان منطقه پیراشهری بنجار نقش حیاتی بازی می کند و این نقش حیاتی از دو طریق عمده اعمال می شود: اولاً شهر زابل به عنوان مرکزی برای جمع آوری و بازاریابی تولید مزارع عمل می کنند (نقش آشکارتر)، ثانیاً توزیع نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی را عهده‌دار هستند (نقش فرعی تر). در واقع همان طور که راندینلی بیان کرده است: شهرک‌های بازاری نقش با اهمیتی به عنوان بازار برای محصولات کشاورزی، منبع تأمین نهاده‌های تجاری و کشاورزی و مراکز اشتغال زراعی به عهده دارند. بنابراین پیوندهای اقتصادی بین شهر زابل و منطقه پیراشهری بنجار، منجر به آن خواهد شد که نقش مهمی در تسهیل روابط پویا بازی کنند و این امکان را فراهم می‌سازد که اقتصاد ناحیه ای رشد کرده و متنوع گردد، و باعث ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و... می‌شود.

#### جدول ۵. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه جهت بررسی تأثیرات شهر زابل بر توسعه اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار

مقدار t	Beta	سطح معناداری F	R <sup>2</sup> تعدیل شده	R <sup>2</sup>	R	شاخص‌های توسعه اجتماعی
۴/۳۲۵	۰/۶۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۹۴	۰/۶۴۳	۰/۶۵۲	افزایش امنیت
۵/۴۸۵	۰/۶۲۳	۰/۰۰۱	۰/۸۰۶	۰/۶۵۴	۰/۷۸۹	رضایت از زندگی
۴/۷۴۲	۰/۷۲۳	۰/۰۰۰	۰/۷۱۸	۰/۷۲۴	۰/۷۴۲	افزایش مشارکت
۶/۸۵۴	۰/۶۰۱	۰/۰۰۱	۰/۶۱۳	۰/۶۲۳	۰/۶۵۱	عدم تنش
۵/۲۴۱	۰/۶۷۳	۰/۰۰۰	۰/۶۷۰	۰/۶۸۵	۰/۷۱۱	افزایش میزان تعلق در منطقه
۶/۹۱۲	۰/۶۹۸	۰/۰۰۱	۰/۷۰۳	۰/۷۲۵	۰/۷۸۲	عدالت اجتماعی
۷/۱۱۱	۰/۷۱۳	۰/۰۰۰	۰/۷۲۴	۰/۷۵۶	۰/۸۴۳	دسترسی به امکانات بهداشتی، تفریحی و...

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

به منظور بررسی تأثیرات شهر زابل در توسعه اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. تأثیرات شهر زابل بر توسعه اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار دارای رابطه معناداری در سطح  $P=0/05$  است.

#### جدول ۶. نتایج آزمون کای اسکویر جهت تعیین تأثیرات شهر زابل در توسعه اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار

نتایج	کای اسکویر	وی کرامرز	سطح معناداری
ارتباط بین شهر زابل و توسعه اجتماعی شهر پیراشهری بنجار	۶۵/۷۲	۰/۶۸۲	۰/۰۰۰

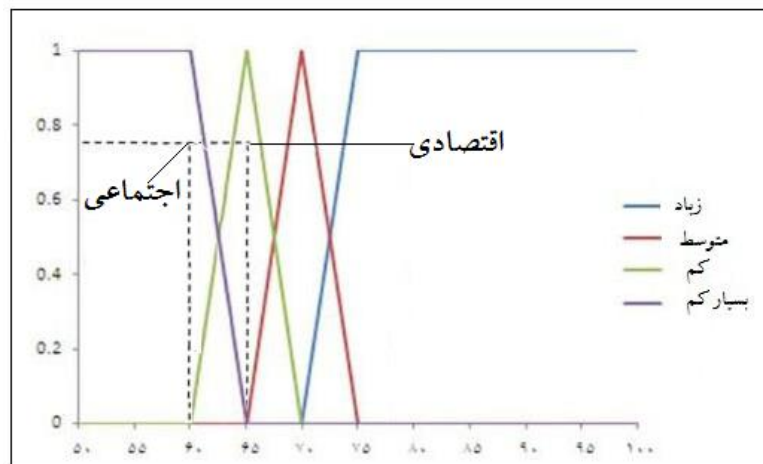
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

نتایج آزمون کای اسکویر جهت تأثیرات شهر زابل بر توسعه اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار با توجه به جدول (۶)، با مقدار کای اسکویر به دست آمده در تمامی متغیرها و سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۰۰، نشان از ارتباط معنادار و مثبت بین این دو متغیر است.

شهر زابل در زمینه افزایش میزان تعلق در منطقه و افزایش مشارکت دارای بالاترین پتانسیل بوده است؛ بر این اساس، در مراتب بعدی، افزایش امنیت از سوی شهر زابل برای منطقه پیراشهری بنجار چشم گیر ذکر شده است. همچنین مطالعات نشان داد از دیدگاه جامعه شهری منطقه پیراشهری بنجار، توان پاسخگویی توزیع امکانات بهداشتی شهر زابل به حوزه پیرامونی به طور زیاد برجسته است؛ به طوری که در عمده‌ای از حوزه‌های مربوط به بهداشت و درمان، توان خدمات‌دهی شهر زابل به منطقه پیراشهری بنجار در حد خوب ارزیابی شده است. همچنین در زمینه امکانات تفریحی در منطقه بنجار نیز از دید پاسخگویان در حد خوب ارزیابی شده است. در کل در حوزه خدمات اجتماعی، مطالعه صورت گرفته نشان داد شهر زابل عمدتاً با عرضه خدمات اجتماعی به منطقه بنجار، توانسته است زمینه‌ساز افزایش رضایت‌مندی مردم ساکن در منطقه پیراشهری بنجار فراهم نماید. در واقع در این زمینه قوی عمل نموده و توانسته است نیازهای جامعه شهری منطقه بنجار را برآورده کند و در نتیجه، زمینه را برای کاهش مهاجرت ساکنین این منطقه در این حوزه‌ی به خصوص فراهم کرده است.

#### رتبه‌بندی ابعاد توسعه در منطقه پیراشهری بنجار با تأکید بر شهر زابل

در این قسمت پژوهش به اولویت‌بندی ابعاد توسعه با توجه به شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است. در این پژوهش از روش رتبه‌بندی فازی ممدانی جهت اولویت‌بندی ابعاد توسعه با توجه به شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی استفاده شده است.



شکل ۲. تابع عضویت فازی ابعاد اقتصادی و اجتماعی، منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

تابع عضویت هر یک از حالات مد نظر (زیاد، متوسط، کم، بسیار کم) به ترتیب قید شده است. تعریف تابع عضویت فازی ابعاد اقتصادی و اجتماعی با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه در منطقه پیراشهری بنجار جهت طبقه‌بندی از لحاظ سطح اولویت به شکل زیر طرح شده است:

تابع عضویت در سطح بسیار کم:

$$f(x) = \begin{cases} 1 & x \leq 25 \\ -\frac{1}{5}(x - 25) & 12.5 < x \leq 25 \\ 0 & \text{otherwise} \end{cases}$$

تابع عضویت در سطح کم:

$$f(x) = \begin{cases} 1 & x \leq 50 \\ -\frac{1}{5}(x-55) & 50 < x \leq 55 \\ 0 & \text{otherwise} \end{cases}$$

تابع عضویت در سطح متوسط:

$$f(x) = \begin{cases} 1 & x \leq 75 \\ -\frac{1}{5}(x-75) & 75 < x \leq 80 \\ 0 & \text{otherwise} \end{cases}$$

تابع عضویت در سطح زیاد:

$$f(x) = \begin{cases} 1 & x \leq 100 \\ -\frac{1}{5}(x-100) & 100 < x \leq 105 \\ 0 & \text{otherwise} \end{cases}$$

جدول ۷. درجه عضویت منطقه پیراشهری بنجار بر اساس بعد اقتصادی

مؤلفه	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد
سرمایه گذاری دولت و مردم	۰/۵۱	۰/۶۹	۰/۷۶	۰/۶۲
افزایش تولیدات کشاورزی و دامی	۰/۳۳	۰/۵۵	۰/۶۷	۰/۶۳
جذب گردشگر	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۷۱	۰/۶۸
ایجاد فرصت های جدید شغلی	۰/۳۵	۰/۶۶	۰/۵۱	۰/۶۹
امنیت درآمد	۰/۴۷	۰/۵۲	۰/۶۷	۰/۷۳
افزایش صادرات محصولات منطقه	۰/۵۲	۰/۶۴	۰/۶۶	۰/۶۸
افزایش ظرفیت های تولیدی منطقه	۰/۵۶	۰/۶۳	۰/۶۹	۰/۷۳

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

جدول ۸. درجه عضویت منطقه پیراشهری بنجار بر اساس بعد اجتماعی

مؤلفه	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد
افزایش امنیت	۰/۳۳	۰/۵۶	۰/۷۸	۰/۷۵
رضایت از زندگی	۰/۴۸	۰/۶۶	۰/۷۵	۰/۷۶
افزایش مشارکت	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۷۷	۰/۷۸
عدم تنش	۰/۴۳	۰/۵۵	۰/۷۶	۰/۷
افزایش میزان تعلق در منطقه	۰/۴۳	۰/۴۴	۰/۷۹	۰/۸۱
عدالت اجتماعی	۰/۴۴	۰/۵۸	۰/۷۵	۰/۷۷
دسترسی به امکانات بهداشتی، تفریحی و ...	۰/۴۲	۰/۵۶	۰/۷۶	۰/۷۶

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

در استنتاج وضعیت شاخص های مورد مطالعه در تعیین اولویت ابعاد توسعه، مقدار نافازی نهایی به عنوان خروجی سیستم استنتاج فازی در نرم افزار متلب مشخص شده است این مقدار برای بعد اقتصادی برابر است با ۰/۶۵ که سطح متوسط رو به بالا تقویت بعد اقتصادی را نشان می دهد، مقدار نافازی نهایی به عنوان خروجی سیستم استنتاج فازی در نرم افزار متلب برای بعد اجتماعی برابر است با ۰/۶۰ که سطح متوسط تقویت بعد اجتماعی را با توجه به شاخص ها مورد بررسی نشان می دهد.

## نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، شناخت تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شهر زابل بر منطقه پیراشهری بنجار است. نتایج حاصل از آزمون‌های کای اسکویر و رگرسیون چندگانه و مدل فازی ممدانی نشان داد، شهر زابل تأثیرات مطلوبی در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار داشته است. و این تأثیر در بعد اقتصادی بیشتر مشهود است. در واقع شهر زابل دارای ساختار و بافت فیزیکی و اقتصادی خاصی برای انتقال و جریان دادن محصولات کشاورزی و تولیدی به بازارهای نهایی در منطقه می‌باشند و می‌تواند با انتقال نیروی انسانی متخصص، نوآوری و تکنیک به این نواحی، زمینه ساز تحولات اقتصادی و اجتماعی و در نهایت توسعه منطقه بنجار باشد.

به عنوان نتیجه پایانی این مبحث می‌توان عنوان کرد که منطقه بنجار، نیازمند دریافت و ایجاد امکانات و تسهیلات اولیه زیستی و ارتقای سطح متغیرهای توسعه‌ای می‌باشند و شهر زابل از این جهات هنوز توانمندی و کارایی مثبتی را دارا است. بنابراین در صورت وجود برنامه‌ریزی‌های مناسب توسعه‌ای و شناسایی پتانسیل‌های بالقوه این شهر به طور مستقیم، امکان نگهداشت جمعیت در شهر پیراشهری بنجار وجود خواهد داشت و افزایش جمعیت در شهر پیراشهری بنجار، توانمندی خاصی را برای شهر زابل ایجاد می‌نماید تا بتواند به قطبی قدرتمند در خدمات‌رسانی منطقه خود مبدل گردد و نقش مؤثری را در توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی داشته باشد. نتایج همبستگی بین توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه پیراشهری بنجار و شهر زابل با مطالعات (نیک سرشت و همکاران، ۱۳۹۱، میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۵، میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۸) همخوانی دارد. لذا با توجه به نتایج به دست آمده راهکارهای ذیل نیز پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به اینکه امروزه جمعیت جوان منطقه بنجار، عمدتاً متقاضی خدمات رفاهی و فرهنگی می‌باشند، و از طرفی در این منطقه به دلیل کمبود اعتبارات، فقدان این خدمات مشهود است، بنابراین لازم است به تقویت زیرساخت‌های تفریحی، فرهنگی و... برای تثبیت جمعیت به خصوص جمعیت جوان و شکوفایی استعدادهای قشر مذکور در این منطقه بیش از پیش توجه گردد.
- با توجه به اینکه در سکونتگاه‌های منطقه بنجار فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی فعالیت غالب محسوب می‌گردد، بنابراین این شهر زابل برای این منطقه می‌تواند نقش مهمی در خصوص ایجاد مراکز مبادلاتی و بازارهای محلی جهت خرید تولیدات مازاد کشاورزی و عرضه کالاهای غیر کشاورزی ایفا نماید. این موضوع باعث تقویت بخش کشاورزی و تاثیر متقابل آن بر فعالیت‌های غیر کشاورزی خواهد شد و یا به عبارتی افزایش قدرت خرید و به تبع آن افزایش تقاضا جهت خرید محصولات غیر کشاورزی توسط کشاورزان و ساکنین را در پی خواهد داشت و از طرفی تشدید روابط شهر زابل و منطقه بنجار را باعث می‌گردد.

## منابع

- افراخته، حسن، برزگر، صادق. سلیمانی مقدم، هادی. ۱۳۸۹. نقش شهرهای کوچک در توسعه ناحیه‌ای مطالعه موردی: شهر زیرآب، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال دوم. شماره ۳. ۵-۲۳.
- خسروی، سیدمحمد رضا، شمس، مجید، ذاکر حقیقی، کیانوش. ۱۳۹۶. مطالعه تطبیقی قاعده رتبه اندازه و مدل دیفرانسیل شهری در نظام سلسله مراتبی شهری استان همدان با تاکید بر نقش شهرهای کوچک، نشریه: برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۲۸، ۸۰-۶۵.

- داگلاس، مایک. ۱۳۸۸. استراتژی ایجاد شبکه منطقه‌ای، به منظور تقویت پیوندهای میان شهر و روستا، مترجم: سوسن چاره جو. فصلنامه کتاب و ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰. تهران. ۸۶-۹۵.
- رضوانی، علی اصغر. ۱۳۸۱. رابطه شهر و روستا، تهران: نشر ماکان.
- سراپی، محمد حسین. پورمحمد، اسماعیل. ۱۳۹۱. ارزیابی کنش متقابل حوزه‌های نفوذ شهری در شبکه شهری استان آذربایجان شرقی (با استفاده از مدل جاذبه و روش تحلیل جریان‌ها)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷. شماره دوم. شماره پیاپی ۱۰۵. ۱۸۱۰۰-۱۸۱۲۰.
- سراپی، محمد حسین، اسکندری ثانی، محمد. ۱۳۸۶. تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای (مورد: ریوش شهرستان کاشمر)، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، ۱۶۵-۱۸۸.
- کرمی، تاج‌الدین، زنگانه، احمد، میرزازاده، حجت. ۱۳۹۸. فضاهای پیراشهری و جمعیت پذیری حوضه آبریز ارومیه، مجله توسعه فضاهای پیراشهری، دوره ۱، شماره ۱، ۸-۱.
- کریمی، بهرام. بدری، سید علی. سلمان، محمد. قدیری معصوم، مجتبی. ۱۳۹۱. ارزیابی تاثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیاهکل)، فصلنامه پژوهش‌هایی روستایی، سال سوم. شماره ۳. ۳۱-۱.
- مکانیکی، جواد، پیراهش، نیره‌سادات، وفائی‌فرد، مهدی. ۱۳۹۸. شهرهای کوچک و توسعه پایدار سکونتگاه‌های پیرامونی مورد: شهر خوسف، مجله توسعه فضاهای پیراشهری، دوره ۱، شماره ۱، ۱۹-۲۸.
- مکانیکی، جواد. سرزهی، زهرا. اسکندری ثانی، محمد. ۱۳۹۵. کارکرد فضایی شهرهای کوچک در ارتباط با روستاهای پیرامون مورد: سریش. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم. شماره ۱۵. ۴۳-۶۰.
- نظریان، اصغر. ۱۳۷۶. جایگاه شهرهای کوچک در ساماندهی فضایی (زنجان)، معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.
- نیک‌سرشت، مهدی، دادورخانی، فضیله، رستمی، شاه‌بختی، شوهانی‌نژاد، معصومه. ۱۳۹۱. تحلیل کارکرد شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی (نمونه موردی: شهر سرابله شهرستان شیروان چرداول)، نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۷، ۶۴-۵۵.
- Amoateng, P., Cobbinah, P. B., & Owusu- Adade, K. 2013. **Managing physical development in peri-urban areas of Kumasi, Ghana: A case of Abuakwa.** Journal of Urban and Environmental Engineering (JUEE), 7(1).
- Gonzalez-Garcia, Sara, Rocío Manteiga, Maria Teresa Moreira and Gumersindo Feijoo, 2018. **Assessing the Sustainability of Spanish Cities Considering Environmental and Socio-Economic Indicators,** Journal of Cleaner Production, Vol. 178
- Harvey D. 1982. **The limits to capital**". Oxford.
- Harvey D. 1985. **The urbanisation of capital.** Baltimore.
- Harvey D. 1989. **From managerialism to entrepreneurialism: the transformation in urban.** Governance in late capitalism. Geogr Ann Ser B, Hum Geogr 71(1):3-37.
- -Harvey D. (2006). **Neoliberalism as creative destruction.** Geogr Ann Ser B 88(2):145-158.
- -Piorr, Annette, Joe Ravetz and Ivan Tosics .2012, **Towards European Policies to Sustain Urban-Rural Futures,** Forest & Landscape, University of Copenhagen – LIFE Coordinator of PLURE, p. 5.
- Simon, D, McGregor, D, & Nsiah-Gyabaah, K, 2004, **the changing urban-rural interfaceOf African cities: definitional issues and an application to Kumasi,** Environment andUrbanization, 16 (2), 235-248.
- Wilson, R. 2015. **Indigenous land management in urban and peri-urban landscapes.** Hons thesis. Universit.